

ایریس چیس Iris Chase راوی رمان آدمکش کور زنی است که داستان گذشته فلاکت‌بارش را برای نوه ناپیده دختری‌اش می‌نویسد. داستان او در فاصله دو جنگ جهانی، دوران رکود اقتصادی و سال‌های پر آشوب کانادا روی می‌دهد. چیس می‌گوید: من امروز توانستم به کمک چوبدستی و توقف‌های مکرر، خودم را به گورستان برسانم. در آن جا اسامی زیادی به چشم می‌خورد که چندان هم خوانا نبودند، شاید مشکل از بینایی من بوده. انگشتانم را میان این اسامی و بین حروف آن‌ها حرکت می‌دادم.

ایریس بسیاری از آدم‌های مورد علاقه‌اش را از دست داده است و خاطراتش به شکلی آزاردهنده راوی را گرفتار کرده است. اتوود درباره زمان روایت شده می‌گوید: «در آن سال‌ها تغییرات زیادی رخ می‌دهند: تغییرات سال‌های بین ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ یا سال‌های بین ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰. آن زمان‌ها متغیرتر و پرتلاطم‌تر از گردونه‌های فانفار بودند.»

راوی - ایریس - می‌گوید: «پشت میز چوبی‌ام می‌نشینم و سطح آن را با خودکارم خراش می‌اندازم. نه، خراش نمی‌دهم، خودکارها دیگر خراش نمی‌اندازند، لغات به آسانی و بی‌صدا در عرض صفحه حرکت می‌کنند.» ایریس روزهای پس از پایان جنگ جهانی دوم و سرنوشت خواهر دوست‌داشتنی‌اش لارا Laura را این‌گونه به‌خاطر می‌آورد:

ده روز از پایان جنگ گذشته بود که اتومبیل خواهرم از روی یک پل سقوط کرد. پل در دست تعمیر بود و او از علامت خطر عبور کرد. اتومبیل از ارتفاع بلندی به سمت مسیل سرتگون شد و با شاخه‌های پر برگ درختان برخورد کرد و سپس آتش گرفت و در حالی که به سرعت پیچ و تاب می‌خورد، به درون نهر فرو رفت. قطعه‌های بزرگی از پل نیز روی اتومبیل افتاد. از او به غیر از قطعات شکسته و سوخته چیزی باقی نماند.

ایریس دیگر کنترل‌اش را بر زندگی از دست داده است و مشکلات و بدبختی‌های او پس از پایان جنگ جهانی اول آغاز می‌شود. او می‌نویسد:

از شدت جنگ هنوز کاسته نشده است. شدت واژه‌ی است که زمانی برای توصیف جنگ به کار می‌رفت و تا آن جایی که می‌دانم هنوز هم به کار می‌رود. اما در این صفحه، که صفحه‌ی نو و تازه است، من به جنگ خاتمه می‌دهم. من به تنهایی این کار را با ضربه خودکار مشکی پلاستیکی‌ام انجام می‌دهم. تمام آن چه که من باید بنویسم. یازدهم نوامبر ۱۹۱۸، روز متارکه جنگ است.

در رمان اتوود هیچ چیز شکوهمند و پیروزمندانه‌ی درباره جنگ نیست و در حالی که کانادایی‌ها پایان جنگ را جشن می‌گیرند پدر لارا و ایریس، متفاوت با وضعیت ظاهری قبلی‌اش به خانه بازمی‌گردد.

اتوود می‌گوید: پدر ایریس کسی بود که در جنگ جهانی اول شرکت داشت. او در حالی از جنگ به خانه بازگشت که چند عضو از بدنش را از دست داده بود. خویشاوندان و دیگرانی که شاهد چنین وضعیتی بودند پی بردند که بازگشتگان از جنگ به دنیایی بازمی‌گردند که دیگر به نظرشان آشنا نمی‌آید و آن‌ها حس می‌کنند که دیگر نمی‌توانند همانند گذشته‌شان باشند.

پدر ایریس، کاپیتان Norville Chase به آنتاریو و بندر خیالی کانتی‌گروگا Contigroga بازمی‌گردد و به تولیدکننده ثروتمند دگمه تبدیل می‌شود. ایریس و خانواده‌اش در کنار آرامگاه بزرگ و مرمرین پدر بزرگ زندگی می‌کنند. خانواده نمایانگر دارایی‌ها و ارزش‌های کهن است، اما جامعه به سرعت در حال تغییر است. در برابر ویرانگری‌های رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ حتی کارفرمایان دلسوز هم قادر به محافظت از کارگران نیستند. اتوود آشوب‌های اجتماعی این سال‌ها و فریاد دادخواهی و بانگ همبستگی کارگران و آن چه سرکوب ظالمانه تهدید کمونیست‌ها خوانده می‌شود، به

### ترجمه پدرام هاشمی‌نسب

بسیاری از نشران آثار مارگارت اتوود، این نویسنده را زنی می‌شناسند که دوست دارد کارهای غیرمنتظره انجام دهد. اما همواره به کاری می‌پردازد که برآن مسلط است و از کارش لذت کامل می‌برد. شهرت اتوود از وایت هورس کانادا تا آیالت ویسکانسین آمریکا و از برلینگتون در آیالت انتاریو کانادا تا شهر بن، به گونه‌ی گسترش یافته که طرفداران خاصی را پیدا کرده است. اتوود به تازگی کار نوشتن دهمین رمانش با عنوان آدمکش کور را به پایان رسانده است. او این اثرش را یک آغاز جهانی برای خود می‌داند. کرول آف Carol Off روزنامه‌نگار و منتقد، هر کتاب اتوود را یک چیز شگفت‌آور می‌داند. او می‌نویسد: اتوود در برخی از آثارش به سیاست می‌پردازد، برخی‌شان نیز گوتیک هستند و دیگر آثارش نیز موضوعاتی شگرف را مورد مذاقه قرار می‌دهند، از این رو شاید بتوان آخرین رمان او - آدمکش کور - را واقع بینانه‌ترین اثر این نویسنده نامید؛ گستره‌ی حماسی که با ماجراهای یک خانواده شکل می‌گیرد و ناظر بر برش‌هایی از تاریخ است. آن چه می‌خوانید گزارشی از گفت‌وگوی کرول آف با اتوود است.

گزارشی از یک گفت‌وگو با مارگارت اتوود

# آغاز یک رمان و

# لحظه پایان جنگ



شیوه‌ی استادانه بیان می‌کند. پیک‌نیک روز کارگر که توسط کارخانه متعلق به پدر برگزار شده محمول‌ات‌وود برای پرداختن به ماجرای بحران آن سال‌هاست.

ات‌وود می‌گوید: خب، پیک‌نیک روز کارگر چیزی است که همیشه وجود داشته. این رسم در شهرهای کوچک معمولاً برگزار می‌شود. در این شهر کوچک نیز فرصتی فراهم می‌آید تا پدر خانواده برای کارگزارانش سخنرانی کند، اما این پیک‌نیک سرنوشت ایریس را به گونه‌ی دیگر رقم می‌زند. حضور ریچارد گریفین Richard Griffin کارخانه‌دار با نفوذ به همراه خواهر قدرت‌طلب‌اش وینی‌فرد Winifred در پیک‌نیک، نقطه آغاز کشنده شدن ایریس به سمت دنیای نوین مادی و سلطه سیاسی است. ایریس در کشمکش‌های دهه ۱۹۳۰ تورنتو درگیر می‌شود، در حالی که خانواده گریفین چیزی از زندگی توده‌های درگیر جامعه نمی‌دانند. در آن پیک‌نیک خواهر گریفین، نسبتاً جوان، لاغر و مدرن با کلاه زنانه لبه‌پهن با پر و زینت‌های دیگر با کفش پاشنه بلند پشت‌باز و لباسی که به هیچ‌وجه مناسب پیک‌نیک نیست، ایستاده است.

مارگارت ات‌وود در خلال ده رمان، خوانندگانش را به دنیا‌های گوناگونی کشانده است. در رمان «داستان دست‌نوشته» چشم‌انداز آینده‌نگر، در Alias Grace زندان‌های زیرزمینی و سردابه‌ها و در Surfacing جنگل‌های وحشتناک و دریاچه اسرارآمیز را در ذهنیت خواننده می‌نشانند. خواننده در رمان آدم‌کش کور وضعیت ناهنجار مهاجران تورنتو را در محله‌های مختلف، کوچه پس‌کوچه‌ها و رستوران‌های ارزان قیمت حس می‌کند.

کرول آف، تورنتوی امروزی را بسیار متفاوت با آن‌چه در سال‌های دور بود توصیف می‌کند. او از آن روزهایی سخن می‌گوید که ساختمان هتل رویال Royal York بلندترین عمارت کانادا بود و بر Imperial Room خودپسندی حاکم بود و اضافه می‌کند: ات‌وود در هیچ‌یک از خیابان‌هایی که نامشان در رمان آدم‌کش کور آمده قدم نزده است. او این صحنه‌ها را از لابه‌لای بایگانی پیدا کرده و به دنبال اطمینان از صحت تاریخی‌شان است.

خانواده گریفین، ایریس را برای صرف ناهار به رستوران واقع در آخرین طبقه فروشگاه بزرگ Simpson دعوت می‌کند. ات‌وود این رستوران را مکان بسیار شیک آن دوران معرفی می‌کند، جایی که بالکن‌هایی احاطه‌اش کرده‌اند که ویژه تجار است و تاملت‌ها خانم‌ها اجازه ورود به آن‌جا را نداشتند.

ات‌وود می‌گوید: در رمان‌ام به نخل‌های پایین این ساختمان اشاره کرده‌ام که هم‌اکنون هم آن‌ها را در همان جا می‌بینید اما ممکن است باور نکنید که آن موقع‌ها حتی تا حدود سال ۱۹۶۵ چیزی به نام سیر در رستوران‌ها نبود، حداقل در رستوران‌های مجلل، در صورت‌غذاها ژله نیز چیز کاملاً جدیدی بود.

ات‌وود جملاتی از رمان آدم‌کش کور را می‌خواند:

ریچارد در هتل رویال یورک از من خواستگاری کرد. او من و پدرم را برای صرف ناهار دعوت کرده بود. اما در آخرین لحظه‌ی که در راهروهای هتل به سمت آسانسور قدم می‌زدیم، پدرم گفت که نمی‌تواند برای صرف ناهار با ما باشد. او به من گفت که خودت باید تنها بروی. البته این چیزی بود که مخفیانه بین آن‌ها مطرح شده بود. پدرم به من گفت که ریچارد از تو چیزی می‌پرسد. او لحنی پوزش‌خواه داشت. گفتم، بله حتماً چیزی درباره‌اتو کشیدن، اما من اهمیت ندادم. تا آن جایی که به من مربوط می‌شد، او شخص بالغی بود. او سی و پنج ساله بود و من هجده ساله. او در دلربایی ماهر بود. پدرم گفت: فکر می‌کنم که او از تو تقاضای ازدواج کند. بعد از آن ما در تالار ورودی هتل بودیم. نشستیم و گفتم، آه! من یک‌دفعه متوجه آن چیزی شدم که برای مدتی آشکار بوده است. می‌خواستم بخندم، گویی که حقه‌ی بی در کار بود. در ضمن احساس می‌کردم که معده‌ام را از دست داده‌ام. با این وجود صدایم آرام باقی ماند. باید چکار کنم؟ پدرم گفت: من از قبل با این موضوع موافقت کرده‌ام. پس همه چیز به خودت بستگی دارد.

ایریس می‌گوید:

شب گذشته، طبق عادت همیشگی‌ام از شبکه، اخبار آب و هوا را تماشا می‌کردم. در نقاط دیگر دنیا سیل آمده و هزاران تن غرق شده‌اند. گرمای کره زمین بیش از حد شده است. در اخبار می‌گویند که مردم باید کمتر چیزی (مثل بنزین، روغن و جنگل‌ها) را بسوزانند. اما آن‌ها از انجام این کار دست نمی‌کشند. طبق معمول، آزمندی و حرص بر آن‌ها سایه افکنده است.

آف می‌نویسد: ات‌وود به واسطه ایریس چیس می‌تواند به موضوع‌های رقت‌انگیز قرن بیستم از جمله جنگ، فقر، حق و حقوق کارگران و سرکوبی اشاره کند. ات‌وود یک نوع انسان سیاسی است.

ات‌وود عضو فعال Amnesty International و PEN است، با این وجود تأکید دارد که اصالت عمل او با هنرش هیچ ارتباطی ندارد. او می‌گوید: آیا هنرمند در قبال جامعه‌اش الزام و تعهدی دارد؟ خب، هر شهروندی متعهد است و این ویژگی تا حدی که هنرمند هم یک شهروند به حساب می‌آید، درباره او صدق می‌کند. اما آیا شما هر چیزی را که مردم می‌گویند باید قبول کنی؟ نه، من با این نظر مخالفم. به نظر من اگر به عنوان یک هنرمند این کار را انجام دهید در معرض خطر قرار خواهید گرفت. شما با این کار بازبچه خیال‌پردازی‌ها و امیال مردم می‌شوید. بسیاری از مردم همیشه از هنرمندان می‌خواهند که به آنان کمک کنند تا غنی‌تر و ثروتمندتر شوند. خب، باید هنرمند در این مواقع مخالفت خود را بروز دهد. آیا نباید در برابر انتظارات مردم از هنرمندان، مقاومت کرد؟ در برابر این انتظار که مثلاً این کار را بکنید. آن کار را نکنید. در برنامه‌های تلویزیونی ظاهر شوید. ما به عنوان هنرمند هیچ الگو و راهبری نداریم و هیچ کس هم ما را در برابر بیان هرگونه مطلبی تنبیه و مجازات نخواهد کرد و رای عامه همیشه این بوده که: بگذاریم هنرمندان در این کار پیشقدم بشوند، خودشان همه کارها را انجام می‌دهند.

آف از ات‌وود می‌پرسد: شما با این قضایا به‌عنوان یک شهروند درگیر هستید یا یک هنرمند؟ ات‌وود می‌گوید: به عنوان یک شهروند، اما اگر معنی این حرف این است که قرار است هر چیزی را که من به‌عنوان یک شهروند می‌گویم بعدها تبدیل به سخنان برخی از شخصیت‌های کتابم شود، نویسندگی را کنار خواهم گذاشت. برای این که، اجازه بدهید منظورم را با این مثال توضیح دهم که مهریانی با سگ‌تان از شما نقاشی بهتری نخواهد ساخت.

ات‌وود هنرمند سرگرم کارهای خودش است؛ با صدای بلند کتاب می‌خواند و با دوستدارانش ملاقات می‌کند. شهرت او در دنیا بیشتر به خاطر آثار ادبیات داستانی‌اش است تا اصالت عمل‌اش. با این وجود او از جلال و شکوه شهرت دوری می‌کند.

این را خود ات‌وود می‌گوید که یک فیلم‌بردار هنگام انجام یکی از کارهای تجربی‌اش شکایت داشت که کار در کانادا با این مشکل همراه است که هر مترویی سوار می‌شویم ممکن است با مارگارت ات‌وود روبه‌رو شویم. در این موضوع چه جادویی نهفته؟ می‌دانید، گمان عمومی این است که اشخاص مشهور باید به‌طور قطع همه جا با لیموزین‌شان بروند و خز رویاه سفید بپوشند و کارهای هالیوودی کنند و...

آف می‌پرسد: چرا شما که آدم مشهوری هستید این‌گونه ناامید به نظر می‌رسید؟ پاسخ ات‌وود چنین است: این‌جا کانادا است. من در باغ سرگرم و جین کردن هستم، کار بزرگی انجام نمی‌دهم اما همین کار من به من می‌گوید: «عاشق باغات باش.»

#### پانوشته‌ها:

۱. Amnesty International یک سازمان جهانی مستقل که علیه نقض حقوق بشر و نیز برای آزادی اشخاصی که به دلیل مخالفت‌های سیاسی و مذهبی زندانی شده‌اند فعالیت می‌کند. این سازمان جایزه صلح نوبل را در سال ۱۹۷۷ از آن خود کرد.

۲. PEN: International Association of Poets, Playwrights, Editors, Essayists, Novelists.



# جایزه‌ها و مدال‌ها

- 1976, *Lady Oracle*
- 1979, *Life Before Man*
- 1981, *Bodily Harm*
- 1985, *The Handmaid's Tale*
- 1988, *Cat's Eye*
- 1993, *The Robber Bride*
- 1996, *Alias Grace*

NOW Amagazine

۱۹۹۶: جایزه گیلر برای اثر *Alias*

Grace

## مدارک افتخاری

۱۹۷۳: دکترای افتخاری ادبیات از ادبیات کودکانه:

دانشگاه ترنت

۱۹۷۴: دکترای افتخاری حقوق از

دانشگاه کوپن

۱۹۸۰: دکترای افتخاری ادبیات از

دانشگاه کانکوردیا

۱۹۸۲: درجه افتخاری از دانشگاه تورنتو

۱۹۸۵: درجه افتخاری از دانشگاه واترلو

۱۹۹۱: درجه افتخاری از دانشگاه

مونترال

۱۹۹۴: درجه افتخاری از دانشگاه لیدز

۱۹۹۶: درجه افتخاری از دانشگاه

مک‌مستر

## کتاب‌های شعر:

- 1964, *The Circle Game*
- 1968, *The Animals in That Country*
- 1970, *The Journals of Susanna Moodie*
- 1970, *Procedures for Underground*
- 1971, *Power Politics*
- 1974, *Your Are Happy*
- 1978, *Selected Poems*
- 1978, *Two-Headed Poems*
- 1981, *True Stories*
- 1984, *Interlunar*
- 1987, *Selected Poems II: Poems Selected and New, 1976-1986*
- 1990, *Selected Poems 1966-1984*
- 1991, *Margaret Atwood Poems 1965-1975*
- 1995, *Morning in the Burned House*

## مجموعه داستان‌های کوتاه:

- 1977, "Dancing Girls"
- 1983, "Murder in the Dark"
- 1983, "Bluebeard's Egg"
- 1991, "Wilderness Tips"
- 1992, "Good Bones"

## رمان‌ها:

- 1969, *The Edible Woman*
- 1972, *Surfacing*

- 1978, *Up in the Tree*
- 1980, *Ann's Pet*
- 1990, *For the Birds*
- 1995, *Princess Prunella and the Purple Peanut*

## آثار غیرادبیات داستانی:

- 1972, *Survival: A Thematic Guide to Canadian Literature*
- 1977, *Days of the Rebels 1815-1840*
- 1982, *Second Words: Selected Critical Prose*
- 1995, *Strange Things: The Malevolent North in Canadian Literature*

## تدوین‌ها:

- 1982, *The New Oxford Book of Canadian Verse in English*
- 1986, *The Oxford Book of Canadian Short Stories in English*
- 1987, *The Canlit Foodbook*
- 1989, *The Best American Short Stories*
- 1995, *The New Oxford Book of Canadian Short Stories in English*

## فیلمنامه‌های تلویزیونی:

- 1974, "The Servant Girls"
- 1981, "Snowbird"
- 1986, "Heaven on Earth"

## متن رادیویی:

- 1964, "The Trumpets of Summer"

## آثار با صدای ات‌وود:

- 1977, "The Poetry and Voice of Margaret Atwood"
- 1985, "Margaret Atwood Reads from a Handmaid's Tale"
- 1985, "Margaret Atwood Reads Unearthing Suite"

۱۹۸۹: جایزه کتاب شهر تورنتو برای اثر

*Cat's Eye*

۱۹۸۹: مؤلف سال مجمع کتابفروشان

کانادا

۱۹۸۹: جایزه بنیاد توسعه ادبیات کانادا

۱۹۸۹: نامزد جایزه بوکر برای اثر *Cat's*

*Eye*

۱۹۹۰: نشان شهر تورنتو

۱۹۹۰: مدال صدمین سالگرد دانشگاه

هاروارد

۱۹۹۲: جایزه ترلیم مهارت در نگارش

انتاریو برای اثر *Wilderness Tips*

۱۹۹۲: جایزه جان هیوز از هیأت توسعه

ویلز

۱۹۹۲: جایزه کتاب سال از واسطه‌های

فصلنامه کانادا برای اثر *Wilderness*

*Tips*

۱۹۹۳: جایزه مجمع مؤلفین کانادایی

رمان سال برای اثر *The Robber*

*Bride*

۱۹۹۴: مدال یادبود صدویست و

پنجمین سالگرد کنفدراسیون کانادا

۱۹۹۴: جایزه ترلیم مهارت در نگارش

انتاریو برای اثر *The Robber Bride*

۱۹۹۴: جایزه نویسندگان کشورهای

مشترک‌المنافع منطقه کانادا کارائیب

برای اثر *The Robber Bride*

۱۹۹۴: نشان شوالیه هنرهای زیبا و

ادبیات دولت فرانسه

۱۹۹۴: جایزه مهارت ادبی از نشریه

*Sunday Times*

۱۹۹۵: جایزه بین‌المللی طنزپردازان از

انجمن طنز سوئد

۱۹۹۵: جایزه ترلیم مهارت در نگارش

انتاریو برای اثر *Morning in the*

*Burned House*

۱۹۹۵: بهترین مؤلف محلی از نشریه

NOW Amagazine

۱۹۹۶: نشان لیاقت ادبی نروژ

۱۹۹۶: نامزده جایزه بوکر برای اثر *Alias*

Grace

۱۹۹۶: بهترین مؤلف محلی از نشریه

۱۹۶۱: مدال ای.جی.پرت

۱۹۶۵: مدال ریاست دانشگاه انتاریوی

غربی

۱۹۶۷: صدمین سالگرد هیأت مسابقه

شعر و شاعری

۱۹۶۹: جایزه انجمن شعر (شیکاگو)

۱۹۷۴: جایزه بس هاسکینز (شیکاگو)

۱۹۷۷: جایزه کتاب شهر تورنتو

۱۹۷۷: جایزه مجمع کتابفروشان کانادا

۱۹۷۷: موزعین فصلنامه داستان کوتاه

کانادا

۱۹۷۸: جایزه لارنس قدیس برای آثار

ادبیات داستانی

۱۹۸۰: جایزه مولسون

۱۹۸۱: بورسیه گوگنهایم

۱۹۸۲: جایزه نویسنده بین‌المللی

انجمن هنرهای زیبای ویلز

۱۹۸۳: جایزه سالیانه موزعین فصلنامه

کانادا و بنیاد توسعه آثار ادبی کانادا

۱۹۸۶: جایزه انسان دوستانه ایدا نودل

۱۹۸۶: جایزه هنرهای زیبای تورنتو

۱۹۸۶: جایزه ادبیات داستانی نشریه

Los Angeles Times

۱۹۸۶: زن سال، از نشریه Magazine

۱۹۸۷: نامزد جایزه بوکر

۱۹۸۷: نامزد جایزه همینگوی

۱۹۸۷: جایزه آرتور سی. کلارک برای

بهترین اثر علمی-تخیلی

۱۹۸۷: جایزه ادبی کشورهای

مشترک‌المنافع

۱۹۸۷: مدال نقره شورای توسعه و

حمایت از تعلیم و تربیت، برای بهترین

مقاله سال

۱۹۸۷: جایزه انسان دوست سال

۱۹۸۷: عضویت در انجمن سلطنتی

کانادا

۱۹۸۸: جایزه زنان برتر، باشگاه زنان

جوان مسیحی

۱۹۸۸: جایزه نشریه ملی برای

روزنامه‌نگاری زیست‌محیطی

۱۹۸۸: عضو افتخاری آکادمی علوم و

هنرهای زیبای امریکا